Clinical Psychology Achievements

https://jacp.scu.ac.ir/
ISSN (P): 2538-5755
ISSN (E): 2588-6126
Received: 08 Sep 2024
Accepted: 07 Feb 2025

Research Article

Doi: 10.22055/jacp.2025.47937.1414

The Role of Parents' Emotional Divorce in Predicting Children's Behavioral Disorders, Anxiety & Academic Burnout

Fatemeh Tavakolipour[1], Fariba TabeBordbar[2*]

1. MA of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Tehran, Iran
2. Assistant Professor of Psychology Department, Payam Noor University, Tehran, Tehran, Iran

Citation: Tavakolipour, F. & Tabe Bordbar, F. (2025). The role of parents' emotional divorce in predicting children's behavioral disorders, anxiety & academic burnout. *Clinical Psychology Achievements*, *11*(1), 24-35

Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the role of parents' emotional divorce in predicting children's behavioral disorders, anxiety & academic burnout. The research project is a correlation type & a statistical community, including all the students of the second secondary level of Girls schools in the 4th district of Shiraz, who were studying in the academic year of 1400-1401. The research population includes 13,200 people & the research sample, according to Morgan's table, includes 375 people who were selected by the cluster sampling method from two secondary schools for girls in the 4th district of Shiraz city. Research measurement tools include Guttman Emotional Divorce Questionnaire (2008), Covey & Patterson Behavioral Problems Questionnaire (1987), Beck Anxiety Scale Questionnaire (1988) & the Academic Burnout Questionnaire of Bresso, Salanova & Scheffley Questionnaire (1997). In order to analyze the data, two methods of inferential statistics & descriptive statistics were used, the descriptive part including the mean & standard deviation, & the Pearson correlation coefficient & multiple regression were used in the inferential part. The results of simultaneous multiple regression showed that parents' emotional divorce was able to positively & significantly predict children's behavior disorder. Also, parents' emotional divorce was able to positively & significantly predict anxiety, & finally, parents' emotional divorce was able to positively & significantly predict academic burnout.

Keywords: emotional divorce of parents, behavioral disorders, anxiety, academic burnout.

∗ **Corresponding Author**: Fariba TabeBordbar
E-mail: TabeBordbar@pnu.ac.ir

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

دست‌آوردهای روان‌شناسی بالینی

مقاله پژوهشی

https://jacp.scu.ac.ir/
ISSN (P): 2538-5755
ISSN (E): 2588-6126
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

Doi: 10.22055/jacp.2025.47937.1414

نقش طلاق عاطفی والدین در پیش‌بینی اختلالات رفتاری، اضطراب و فرسودگی تحصیلی فرزندان

فاطمه توکلی‌پور [۱]، فریبا تابع بردبار [۲]*

۱. کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور ، تهران، ایران
۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه، پیام نور، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش طلاق عاطفی والدین در پیش‌بینی اختلالات رفتاری، اضطراب و فرسودگی تحصیلی فرزندان انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم مدارس ناحیه ۴ شهر شیراز که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری ۳۷۵ نفر که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از دو مدرسه متوسطه دوم دخترانه ناحیه ۴ شهر شیراز انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پژوهش شامل پرسش‌نامه طلاق عاطفی گاتمن؛ پرسش‌نامه مشکلات رفتاری کودکان - نوجوانان؛ مقیاس اضطراب و مقیاس فرسودگی تحصیلی بودند. داده‌ها توسط نرم‌افزار *SPSS-22* تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی اختلال سلوک فرزندان می‌باشد (p=۰/۰۰۱، β=۰/۴۲۷). همچنین طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به‌پیش‌بینی مشکلات توجه - ناپختگی (p=۰/۰۰۱، β=۰/۳۶۴) ، پرخاشگری اجتماعی (p=۰/۰۰۱، β=۰/۳۲۵) و اضطراب - گوشه گیری فرزندان (p=۰/۰۰۱، β=۰/۳۰۰). می‌باشد. بر اساس دیگر نتایج طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی اضطراب می‌باشد (p=۰/۰۰۱، β=۰/۲۷۵) و در نهایت اینکه طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی فرسودگی تحصیلی می‌باشد (p=۰/۰۰۱، β=۰/۳۶۹). با توجه به نتایج، برای کاهش اثرات طلاق عاطفی والدین بر فرزندان بهتر است که کارگاه‌های پیش از ازدواج با موضوع اثرات طلاق عاطفی بر فرزندان برگزار شود.

کلید واژه‌ها: طلاق عاطفی‌والدین ، اختلالات رفتاری، اضطراب، فرسودگی تحصیلی

* **نویسنده مسئول:** فریبا تابع بردبار
رایانامه: TabeBordbar@pnu.ac.ir

مقدمه

خانواده یک واحد عاطفی و شبکه‌ای از روابط در هم تنیده بوده که با ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود (Aspara et al., 2018). رابطۀ بین زن و شوهر از مهم‌ترین روابط انسان توصیف شده است، زیرا این رابطه ساختاری اولیه برای بنا کردن رابطۀ خانوادگی و تربیت کردن نسل آینده فراهم می‌کند و مهم‌ترین پیوندی که بین دو نفر روی می‌دهد ازدواج بوده و سرآغاز شکل‌گیری کانون حمایتی - عاطفی است (Larson & Holman, 2013).

به گفته پاموک و همکارش اغلب زوجین در آغاز زندگی سرمایه مشترک خود را عشق و علاقه به یکدیگر می‌دانند. (Pamuk & Durmuş, 2015) اما هنگامی که زندگی زناشویی آن‌گونه که زن و شوهر انتظار دارند پیش نمی‌رود زوجین دچار یاس و ناامیدی شده و به حالتی از کاهش عاطفه نسبت به هم می‌رسند (Heinemann & Heinemann, 2017) که در آن هر یک از زن و شوهر پس از یک دوره طولانی تعارض به مرحله تنفر و سپس با وضعیت بی‌تفاوتی مواجه می‌شوند و این وضعیت آخرین مرحله از رابطه عمیق و عاطفی بین زوجین است که در نهایت به طلاق عاطفی می‌انجامد (Ameri & Shafiei, 2018). طلاق عاطفی متضمن فقدان احترام، اعتماد و محبت به یکدیگر است در واقع برخی ازدواج‌ها با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های تو خالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند (Liu & Wang, 2021). طلاق عاطفی و یا سردی میان روابط اولین مرحله از فرایند طلاق می‌باشد که حتی ممکن است زن و مرد نیز خودشان اطلاع نداشته باشند. در حقیقت طلاق عاطفی به معنای پایان یک رابطۀ صمیمی می‌باشد که ناراحتی و اندوه و سردی به جای گرمی و صمیمت در رابطه زناشویی به وجود می‌آید (Salvatore et al., 2022). بروز تلخی و سردی در روابط و همچنین آشفتگی‌های عاطفی زوجین در طولانی مدت، مشکلات زوجین را به سمت طلاق عاطفی سوق می‌دهد (Guerrero et al., 2018). بر اساس شواهد تحقیقاتی مشخص شده است که رابطه بین زوجین علی‌رغم تلاش ایشان در انجام دقیق وظایف به مرور زمان سردتر شده و گاهی فاقد رابطه عاطفی و عشق و علاقه می‌شود که در این حالت زن و شوهر بدون احساس عاطفی نسبت به یکدیگر به طور کاملاً مجزا از هم به زندگی در کنار هم ادامه می‌دهند (Atan & Blouse, 2019) که می‌تواند دلایل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و غیره داشته باشد.

از سوی دیگر ممکن است این آثار و پیامدها نه تنها عوارضی را برای زنان و مردان بلکه برای فرزندان نیز پیامدهای غیر قابل جبرانی داشته باشد (Lamela et al., 2016; Benson, 2019; Kessler, 2018). عدم ارتباط مناسب و بروز مشکلات عاطفی در زوجین می‌تواند مشکلات روحی و رفتاری در فرزندان ایجاد نماید. بنابر این نهاد خانواده نقش پر رنگی در شکل‌گیری و شخصیت فرزندان دارد و سازگاری‌های آتی آن دارد چرا که مهم‌ترین نهاد جامعه است و ورود هرگونه آسیب به این نهاد کارکردهای آن را مخدوش می‌کند (D'Onofrio & Emery, 2019) یکی از این مشکلات اختلالات رفتاری (behavioral disorders) دانش‌آموزان بوده و معمولاً تا زمانی که فرد رفتاری خارج از محدوده سنی خودش نشان ندهد برای والدین قابل تشخیص نیست. البته رفتارهایی مثل شیطنت یا بازیگوشی، نافرمانی و غیره برای کودکان و نوجوانان رفتاری طبیعی محسوب می‌شود اما اگر این رفتارها بیش از حد تکرار شده یا شدت آن‌ها به شکل آزاردهنده‌ای زیاد باشد، از مشکلات رفتاری محسوب شده و بایستی به دنبال روش‌های درمان برای آن بود. Mirzaei (2014) در پژوهشی به بررسی رابطه بین طلاق عاطفی والدین و بروز اختلالات رفتاری کودکان پرداخت. نتایج نشان داد که بین طلاق عاطفی و بروز اختلالات رفتاری کودکان رابطه معناداری وجود داشت. طبق نظر پاندینا (Pandina et al., 2007) شیوع اختلالات رفتاری در اوایل مقطع ابتدایی بوده و در سنین ۸ تا ۱۵سالگی به اوج می‌رسد و موجب تأثیرات منفی بر عملکرد تحصیلی، اجتماعی کودک و نوجوان شده و احتمال مبتلا شدن به بیماری روانی در بزرگسالی را افزایش می‌دهد

یکی دیگر از مشکلاتی که ممکن است به دنبال طلاق عاطفی والدین برای فرزندان ایجاد شود اضطراب است (Bastani et al., 2011). اضطراب احساس ناراحتی مبهمی است که در پاسخ به تحریکات درونی یا بیرونی فرد رخ می‌دهد و منجر به نشانه‌های شناختی، عاطفی، فیزیکی و رفتاری می‌شود و همچنین موجب اختلال در کارکرد روزانه فرد شده و تفکر، تمرکز و یادگیری را مختل می‌کند. اضطراب نوعی واکنش سریع و عمیق به انواع استرس در بدن ما است. (Spinhoven et al., 2022).

Bastani et al. (2011) در پژوهشی به بررسی رابطه طلاق عاطفی والدین با اضطراب دانش‌آموزان پرداختند و نشان دادند که بین اضطراب دختران دانش‌آموز و طلاق عاطفی والدین، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و میزان اضطراب دانش‌آموزانی که طلاق عاطفی بین والدینشان وجود دارد بیشتر از سایر دانش‌آموزان است. Avasi (2020) در پژوهشی با عنوان نقش تعارض والدین پس از طلاق در پیش‌بینی پرخاشگری، خشم و علائم اضطراب و افسردگی در بین دانشجویان نشان داد که تعارض والدین پس از طلاق، پرخاشگری فیزیکی، خشم و علائم اضطراب و افسردگی را در دانشجویان پیش‌بینی می‌کند. تعارض والدین پس از طلاق ۷ درصد از واریانس پرخاشگری فیزیکی، ۵ درصد واریانس در خشم، ۱۵ درصد واریانس در علائم اضطراب و ۱۳ درصد از واریانس در علائم افسردگی را توضیح داد. طبق تحقیقات صورت گرفته اضطراب عملکرد فرد را در حوزه اجتماعی ، روانشناختی و جسمانی مختل کرده و نقش مهمی در ایجاد نشانه‌های فرسودگی تحصیلی دارد.

فرسودگی تحصیلی (academic burnout) پاسخ منفی به استرس‌های شدیدی است که غالباً به دلیل توقعات بیش از حد و خارج از توانی که از افراد می‌شود، منجر به بروز خستگی هیجانی و جسمانی در آن‌ها می‌شود (Mazerolle, 2021). علاوه بر این به نظر می‌رسد طلاق عاطفی زمینه‌ساز بروز این استرس‌ها باشد (Parvin et al., 2012). بنا به گفته سالانوا فرسودگی تحصیلی باعث عدم مشارکت دانش‌آموزان در فرآیند تحصیل و کاهش انرژی لازم برای انجام فعالیت‌ها می‌شود (Breso et al., 2010) به نحوی که این دانش‌آموزان، انگیزه ای برای شرکت در فعالیتهای کلاسی ندارند و معمولاً سر کلاس با تأخیر حاضر شده و مایلند سریع کلاس را ترک کنند بنابراین حس مسئولیت‌پذیری در این افراد وجود ندارد (Qinyi & Jiali, 2012).

همچنین بنا به گفته Lee & Lee (2018) منظور از فرسودگی تحصیلی در واقع احساس خستگی از تقاضا و الزامات تحصیل و داشتن حس بدبینانه و عدم علاقه به تکالیف درسی و احساس نداشتن شایستگی است. فرسودگی تحصیلی در واقع با ایجاد شرایطی منفی باعث بروز مشکلاتی در توانایی فرد از نظر ذهنی و همچنین جسمی می‌گردد که پیامدهای مختلفی اعم از خستگی، ناامیدی از ایجاد موفقیت و ایجاد بی‌انگیزگی در مورد مسائل مربوط به تحصیل در پی دارد.

با توجه نقش خانواده در پرورش و بالندگی جامعه و پرورش نسل جدید، بررسی متغیرهای مرتبط با بهبود شرایط خانواده ضروری به نظر می‌رسد. با بررسی پیشینه موجود چنین دریافت می‌شود که بسیاری از پژوهش‌ها به صورت جداگانه متغیرهای تربیتی و تحصیلی را مد نظر قرار داده‌اند و به‌صورت یکجا که متغیرهای تحصیلی و تربیتی را مطالعه نمایند یافت نشد. بدون شک طلاق عاطفی والدین پیامدهای مختلفی بر فرزندان و حتی خود زوجین دارد که لازم است با پژوهش‌هایی از این دست به درک و بینش عمیق‌تری از اثرات آن دست یافت تا بتوان با تدوین مدل‌های بومی در زمینه خانواده درمانی و زوج درمانی اثرات منفی آن را با آگاه‌سازی والدین کاهش داد؛ بنابر این پژوهش حاضر در صدد است تا نقش طلاق عاطفی والدین را در اختلالات رفتاری، اضطراب و فرسودگی تحصیلی فرزندان را بررسی کند و به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا طلاق عاطفی والدین پیش‌بینی‌کننده اختلال رفتاری، اضطراب و فرسودگی تحصیلی فرزندان است؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع همبستگی – توصیفی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم مدارس ناحیه ۴ شهر شیراز که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند. جامعه پژوهش شامل ۱۳۲۰۰ نفر بودند.

با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین نواحی چهارگانه شهر شیراز یک ناحیه به تصادف انتخاب شد. با توجه به حجم نمونه مورد نیاز، تعداد ۳۳۴ نفر بر اساس فرمول کوکران، از بین دو مدرسه دخترانه انتخاب شد. نمونه‌هایی که در خانواده، طلاق رسمی صورت گرفته یا یکی از زوجین فوت کرده‌اند حذف گردید. جهت رعایت مسائل اخلاقی ضمن

بیان اهداف پژوهش و نحوه پاسخگویی به سؤالات به آنان اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه خواهد بود و نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی نیست. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون با نرم‌افزار SPSS۲۲ استفاده شد.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه طلاق عاطفی (Emotional Divorce Questionnaire): این پرسش‌نامه که در سال ۲۰۰۸ توسط Gottman & Gottman نوشته شده حاوی جملاتی است که پیرامون جنبه‌های مختلف زندگی مطرح می‌شود و فرد موافقت یا مخالفت خود را اعلام می‌کند و شامل ۲۴ مقیاس با پاسخ بله یا خیر می‌باشد ، نمره گذاری پرسش‌نامه به صورت بله، خیر است. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر صفر می‌گیرد. هر چقدر میزان جواب‌های بله بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. پایایی این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که مقدار آن ۰/۸۱ گزارش شد که نشان دهنده پایایی مطلوب پرسش‌نامه می‌باشد.

پرسش‌نامه مشکلات رفتاری کودکان-نوجوانان (Behavioral Problems Questionnaire): این پرسش‌نامه در سال ۱۹۸۷ توسط Quay & Peterson نگاشته شده است. فرم تجدید نظر شده حاوی ۸۸ سوال بوده و با هدف بررسی مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان از قبیل اختلال سلوک، مشکلات توجه - ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی طراحی شد. برای نمره‌گذاری در این پرسش‌نامه از سه نمره صفر ، یک و دو استفاده می‌شود. نمره صفر نشان دهنده ی عدم وجود مشکلات رفتاری و نمره یک اختصاص به مشکلاتی دارد که هنوز به حالت حاد در نیامده است و نمره دو مربوط به مشکلاتی می‌شود که به صورت حاد دیده شده است.بیشترین نمره به‌دست آمده برای هر خرده آزمون دو برابر شماره گویه‌ها در آن خرده‌آزمون و کمترین نمره برای هر خرده‌آزمون صفر می‌باشد. دامنه مشکلات فرد از صفر تا ۱۷۶ نوسان دارد. پایایی این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که مقدار آن ۰/۸۰ گزارش شد که نشان دهنده پایایی مطلوب پرسش‌نامه می‌باشد.

پرسش‌نامه مقیاس اضطراب (Anxiety Scale Questionnaire): این مقیاس در سال ۱۹۸۸ توسط Beck طراحی شد و شامل ۲۱ عبارت و هر عبارتی بیانگر یکی از علایم اضطراب بوده که معمولاً توسط افراد مضطرب بالینی یا قرار گرفتن افراد در موقعیت استرس‌زا تجربه می‌شود. پرسش‌نامه اضطراب یک پرسش‌نامه خود گزارشی است که برای اندازه‌گیری شدت اضطراب در نوجوانان و بزگسالان تهیه شده‌است که آزمودنی در هر ماده یکی از چهار گزینه که نشان‌دهنده شدت اضطراب است را انتخاب می‌کند. آزمودنی در هر ماده یکی از چهار گزینه که نشان‌دهنده شدت اضطراب است را انتخاب می‌کند. چهار گزینه هر سؤال در یک طیف چهار بخشی از ۰ تا ۳ نمره‌گذاری می‌شود. هر یک از ماده‌های آزمون یکی از علایم شایع اضطراب (علایم ذهنی، بدنی و هراس) را توصیف می‌کند. بنابراین نمره کل این پرسش‌نامه در دامن‌های از صفر تا ۶۳ قرار می‌گیرد. این پرسش‌نامه از اعتبار بالایی برخوردار است. ضریب همسانی درونی آن (ضریب آلفا) ۰/۹۲، اعتبار آن با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۷۵ و همبستگی ماده‌های آن از ۰/۳۰ تا ۰/۷۶ متغیر است (Mortazavi, 2019). پایایی این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که مقدار آن ۰/۷۹ گزارش شد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسش‌نامه می‌باشد.

مقیاس فرسودگی تحصیلی (Academic Burnout Questionnaire): این مقیاس در سال ۱۹۹۷توسط Salanova & Schefli طراحی شده است که ۱۵ ماده دارد و شیوه نمره‌گذاری از طریق روش لیکرت ۵ درجه‌ای از طیف کاملاً مخالف تا کاملاً موافق توسط آزمودنی‌ها درجه‌بندی شده است و پرسش‌نامه سه حیطه فرسودگی شامل خستگی تحصیلی، بی‌علاقگی تحصیلی و ناکارآمدی تحصیلی را می‌سنجد. خستگی تحصیلی ۵ ماده، بی‌علاقگی تحصیلی۴ ماده و ناکارآمدی تحصیلی۶ ماده دارد. سازندگان آن پایایی تست فرسودگی تحصیلی را به‌ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۲ و ۰/۷۵ برای سه حیطه‌ی فرسودگی تحصیلی محاسبه کرده اند. پرسش‌نامه فرسودگی تحصیلی از طریق همبسته کردن آن با پرسش‌نامه فشارزاهای دانشجویی به‌ترتیب برابر با ۰/۳۸، ۰/۴۲ و ۰/۴۵ محاسبه شده که در سطح P< ۰/۰۰۱ معنی‌دار است (Naami, 2009). پایایی این

پرسش‌نامه در پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که مقدار آن ۰/۸۲ گزارش شد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسش‌نامه می‌باشد.

یافته‌ها

داده‌های خام بعد از جمع‌آوری با نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح توصیفی به محاسبه شاخص‌هایی نظیر میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمرات پرداخته شد و در سطح استنباطی با استفاده از آزمون‌های تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون به بررسی و آزمون فرضیات پژوهش پرداخته شد. ویژگی‌های جمعیتی شرکت‌کنندگان در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای دموگرافیک شرکت‌کنندگان

متغیر	گروه	تعداد	درصد
سن	۱۳ تا ۱۴ سال	۱۲۴	۳۳
	۱۵ تا ۱۶ سال	۱۵۶	۴۲
	۱۷ سال	۹۵	۲۵
سطح سواد والدین	زیر لیسانس	۲۱۰	۵۶
	لیسانس	۱۱۵	۳۰
	بالاتر از لیسانس	۵۰	۱۴

جدول ۱ فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان را به تفکیک سن و سطح سواد مادر نشان می‌دهد.بر اساس نتایج به‌دست آمده بیشترین افراد نمونه آماری در محدوده سنی ۱۵ تا ۱۶ سال (۴۳٪) و کمترین افراد در رده سنی ۱۷ سال(۲۵٪) بودند. از نظر تحصیلات والدین دارای مدرک زیرلیسانس، لیسانس و بالاتر به ترتیب ۵۶، ۳۰ و ۱۴ درصد نمونه آماری بودند. آمارهای توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۲ ارایه شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی مربوط به اضطراب، فرسودگی تحصیلی و ابعاد اختلال رفتاری شرکت‌کنندگان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
اضطراب	۱۹/۹۷	۴/۶۵	۷	۳۱
فرسودگی تحصیلی	۳۹/۹۸	۵/۷۶	۲۴	۶۵
اختلال سلوک	۲۱/۸۷	۴/۳۴	۶	۳۲
مشکلات توجه- ناپختگی	۲۴/۰۹	۵/۹۸	۱۱	۴۵
پرخاشگری اجتماعی	۱۱/۷۵	۳/۸۷	۵	۱۷
طلاق عاطفی والدین	۱۱/۰۹	۳/۷۶	۴	۱۹

با توجه به جدول ۲ همان‌گونه که مشاهده می شود میانگین و انحراف استاندارد اضطراب شرکت‌کنندگان برابر ۱۹/۹۷ و ۴/۶۵ می‌باشد. میانگین و انحراف استاندارد فرسودگی تحصیلی شرکت‌کنندگان برابر ۳۹/۹۸ و ۵/۷۶ می‌باشد. همچنین میانگین و انحراف استاندارد اختلال سلوک شرکت‌کنندگان برابر ۲۱/۸۷ و ۴/۳۴ می‌باشد.میانگین و انحراف استاندارد مشکلات توجه- ناپختگی شرکت‌کنندگان برابر ۲۴/۰۹ و ۵/۹۸ می‌باشد. میانگین و انحراف استاندارد پرخاشگری اجتماعی شرکت‌کنندگان برابر ۱۱/۷۵ و ۳/۸۷ می‌باشد. درنهایت میانگین و انحراف استاندارد طلاق عاطفی شرکت‌کنندگان برابر ۱۱/۰۹ و ۳/۷۶ می‌باشد.قبل از انجام روش‌های آماری پیرسون و رگرسیون خطی، پیش فرض‌های اساسی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر پیش‌بین	متغیرهای ملاک					
طلاق عاطفی والدین	طلاق عاطفی والدین	اختلال سلوک	مشکلات توجه-ناپختگی	پرخاشگری اجتماعی	اضطراب	فرسودگی تحصیلی
	۱	/۴۲۷**	۰/۳۶۴**	۰/۳۲۵**	۰/۲۷۵**	/۳۶۹**

جدول فوق آزمون همبستگی پیرسون را برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش نشان می دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود بین طلاق عاطفی والدین با اختلال سلوک (r=۰/۴۲۷) ، مشکلات توجه- ناپختگی (r=۰/۳۶۴)، پرخاشگری اجتماعی (r=۰/۳۲۵)، اضطراب (r=۰/۲۷۵) و فرسودگی تحصیلی (r=۰/۳۶۹) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در خصوص پیش‌بینی اختلالات رفتاری فرزندان بر اساس میزان طلاق عاطفی والدین از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده شد . قبل از ارایه نتایج حاصل از رگرسیون ابتدا مفروضه نرمال بودن با کمک آزمون کولموگروف اسمیرنوف مورد آزمون قرار گرفت که نتایج حکایت از عدم معناداری برای کلیه متغیرها داشت.

جدول۴. پیش‌بینی اختلال سلوک در دختران بر اساس میزان طلاق عاطفی والدین

متغیرهای ملاک	متغیر پیش بین:طلاق عاطفی							
	R	R^2	R^2 تصحیح شده	F	B	β	t	P
اختلال سلوک	۰/۴۲۷	۰/۱۸۲	۰/۱۷۶	۳۷/۸۸۵	۰/۶۵۸	۰/۴۲۷	۷/۸۹۶	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول فوق میزان F معنادار است که نشان دهنده معناداری مدل است. با استفاده از شاخص R^2 تعدیل شده که نمایانگرمیزان تبیین متغیر ملاک بر اساس متغیر پیش بین است نشان می‌دهد که طلاق عاطفی والدین ۱۷ درصد از تغییرات در اختلال سلوک دختران را تبیین می‌کند. همان‌گونه که ملاحظه میشود طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی اختلال سلوک فرزندان می‌باشد (β=۰/۴۲۷ ،p=۰/۰۰۱).

جدول۵ . پیش‌بینی مشکلات توجه- ناپختگی در دختران بر اساس میزان طلاق عاطفی والدین

متغیرهای ملاک	متغیر پیش بین:طلاق عاطفی							
	R	R^2	R^2 تصحیح شده	F	B	β	t	P
مشکلات توجه- ناپختگی	۰/۳۶۴	۰/۱۳۱	۰/۱۲۷	۳۲/۰۰۹	۰/۵۳۹	۰/۳۶۴	۶/۳۴۵	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول فوق میزان F معنادار است که نشان دهنده معناداری مدل رگرسیون است. .همانگونه که مشاهده می‌شود طلاق عاطفی والدین ۱۲ درصد از تغییرات در مشکلات توجه- ناپختگی دختران را تبیین میکند.بنابراین طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی مشکلات توجه- ناپختگی فرزندان می‌باشد (β=۰/۳۶۴ ،p=۰/۰۰۱).

جدول۶. پیش‌بینی پرخاشگری در دختران بر اساس میزان طلاق عاطفی والدین

متغیرهای ملاک	متغیر پیش‌بین طلاق عاطفی							
	R	R^2	R^2 تصحیح شده	F	B	β	t	P
پرخاشگری اجتماعی	۰/۳۲۵	۰/۱۰۵	۰/۱۰۱	۲۷/۹۹۶	۰/۴۸۹	۰/۳۲۵	۵/۱۱۷	۰/۰۰۱

همان‌گونه که ملاحظه میشود طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی پرخاشگری اجتماعی فرزندان می‌باشد (β=۰/۳۲۵ ،p=۰/۰۰۱). طلاق عاطفی والدین ۱۰ درصد از تغییرات در پرخاشگری دختران را پیش‌بینی میکند.

جدول۷. پیش‌بینی اضطراب در دختران بر اساس میزان طلاق عاطفی والدین

متغیرهای ملاک	متغیر پیش‌بین:طلاق عاطفی							
	R	R^2	R^2 تصحیح شده	F	B	β	t	P
اضطراب	۰/۲۷۵	۰/۰۷۵	۰/۱۰۹	۳۱/۹۹۶	۰/۳۸۸	۰/۲۷۵	۳/۹۹۸	۰/۰۰۱

در خصوص نقش طلاق عاطفی والدین در اضطراب فرزندان جدول فوق نشان میدهد که طلاق عاطفی ۷ درصد از واریانس اضطراب را تبیین می‌کند. باتوجه به میزان بتا مشخص میشود که طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی اختلال اضطراب می‌باشد (β=۰/۲۷۵ ،p=۰/۰۰۱).

جدول۸. پیش‌بینی فرسودگی تحصیلی در دختران بر اساس میزان طلاق عاطفی والدین

متغیرهای ملاک	متغیر پیش بین:طلاق عاطفی							
	R	R^2	R^2 تصحیح شده	F	B	β	t	P
فرسودگی تحصیلی	۰/۳۶۹	۰/۱۳۶	۰/۱۲۶	۳۳/۷۷۴	۰/۴۴۳	۰/۳۶۹	۵/۱۶۴	۰/۰۰۱

در خصوص نقش طلاق عاطفی والدین و فرسودگی تحصیلی نیز جدول فوق نشان می‌دهد که طلاق عاطفی ۱۳ درصد از واریانس فرسودگی تحصیلی را تبیین می‌کند. همچنین بر اساس ضرایب بتا می‌توان گفت که طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معنی‌داری قادر به پیش‌بینی فرسودگی تحصیلی می‌باشد (β=۰/۳۶۹ ،p=۰/۰۰۱).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش طلاق عاطفی والدین در پیش‌بینی اختلالات رفتاری، اضطراب و فرسودگی تحصیلی دختران نوجوان انجام شد. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون رگرسیون استفاده شد که نتایج حاصل از آن نشان داد طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی اختلال سلوک فرزندان می‌باشد. با توجه به نقش طلاق عاطفی والدین بر افزایش اختلال سلوک فرزندان می‌توان گفت یکی از اثرات منفی طلاق والدین افزایش مشکلات سلوک فرزندان به ویژه دختران است.

طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی مشکلات توجه- ناپختگی فرزندان می‌باشد. و یکی از اثرات منفی طلاق عاطفی والدین بروز رفتارهای ناپخته و مشکلات توجه در فرزندان می‌شود. نتایج این تحقیق با تحقیق Abbasi Abarzgeh et al. (2019) در بروز مشکلات توجه – نا پختگی هم سو و هم جهت می‌باشد.

طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی پرخاشگری اجتماعی فرزندان می‌باشد. طلاق عاطفی والدین باعث تنش بالای والدین و در نهایت منجر به اختلالات رفتاری فرزندان می‌شود، کودک با چنین والدینی معمولاً در یک جو پر استرس رشد می‌یابند که رفتارهای آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان در ارتباط اجتماعی ایشان بروز و نمود می‌یابد .نتایج حاصل از این آزمون‌ها از جهاتی با تحقیقات Mirzaei (2014)، Bastani et al. (2011)، Li (2021) و Leys et al. (2020) همسو و هم جهت می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر از نظر تایید وجود ارتباط زیاد میان جدایی عاطفی زوجین و فشار روحی و روانی شدید و منفی وارد شده به فرزندان خانواده در اثر فضای روانی حاکم که باعث بروز اختلالات رفتاری در فرزندان می‌شود با نتایج تحقیق Akbari (2014) همسو است همچنین از این نظر که میان مهارت‌های زندگی و طلاق عاطفی ارتباطی تنگاتنگ ومعنی داری وجود دارد با نتایج تحقیق Dindar et al. (2019) منطبق است. در راستای تبیین نتایج فوق می‌توان گفت سردی روابط بین زوجین و بروز اختلافات در خانواده باعث بوجود آمدن مشکلات رفتاری برای فرزندان می‌شود. در تبیین نقش طلاق عاطفی والدین در بروز اختلال‌های رفتاری- هیجانی می‌توان گفت طلاق عاطفی والدین باعث تنش بالای والدین و

در نهایت منجر به اختلالات رفتاری فرزندان می‌شود، کودک با چنین والدینی معمولاً در یک جو پر استرس رشد می‌یابند که رفتارهای آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. از جمله مهم ترین عامل در بروز اختلالات رفتاری فرزندان، چگونگی روابط اعضای خانواده با یکدیگر است، زمانی که فقدان رابطه ای گرم و با صفا در کانون خانواده حس می‌شود، حتی فرزندان در سنین بسیار کم متوجه آن شده، و موجب عدم توجه به فرزند و در نهایت عدم رشد جنبه‌های مختلف رفتاری و در نهایت موجبات رشد اختلالات رفتاری می‌شود. فرزندان در هنگام رشد به گرمای محبت همه اعضای خانواده نیاز دارد و ارتباط محبت آمیز اعضای خانواده و حتی روابط گرم فامیل، سبب ایجاد امنیت روحی ـ روانی فرزندان می‌شود. زیرا احساس می کنند که در تنگناهای زندگی، خانواده و نزدیکان به یکدیگر کمک کرده، پشتیبان واقعی هم خواهند بود و این احساس داشتن حامی، امنیت خاطر فرزندان را تأمین می کند. ارتباط بیشتر والدین و فرزندان و گرمای محبت در همسران باعث می‌شود خانواده شاداب‌تر باشد و توجه بیشتری به خواسته‌های فرزندان داشته باشند از همین رو طلاق عاطفی باعث عدم رشد جنبه‌های شناختی و در نتیجه اختلالات در حوزه رفتاری میشود.

جهت بررسی فرضیه طلاق عاطفی والدین پیش‌بینی‌کننده‌ی اضطراب فرزندان می‌باشد، از آزمون رگرسیون استفاده شد که نتایج حاصل از آن نشان داد که طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی اختلال اضطراب می‌باشد. نتایج حاصل از این آزمون‌ها از جهاتی با Bastani et al. (2011)، Avasi (2020)، Li (2021) و Leys et al. (2020) همسو و هم‌جهت می‌باشد. Bastani et al. (2011) نشان می‌دهند بین اضطراب دختران دانش‌آموز و طلاق عاطفی والدین، رابطه معناداری وجود دارد. Shasat Foladi & Monshei (2015) نشان می‌دهند بین اضطراب دختران دانش‌آموز و طلاق عاطفی والدین، رابطه ی معناداری وجود دارد.

در راستای تبیین نتایج فوق می‌توان گفت والدین مبتلا به طلاق عاطفی وقتی که در معرض موقعیت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند برانگیختگی فیزیولوژیکی شان افزایش می‌یابد، در این افراد رویارو شدن با محرک‌های ترسناک و هراس آور، یک واکنش اضطرابی از قبیل احساس وحشت، تنفس منقطع و کوتاه و تپش قلب را در پی دارد که این مشکلات به فرزندان نیز سرایت می‌کند و باعث ایجاد اضطراب در آن‌ها می‌شود.

جهت بررسی فرضیه طلاق عاطفی والدین پیش‌بینی‌کننده‌ی فرسودگی تحصیلی فرزندان می‌باشد، از آزمون رگرسیون استفاده شد که نتایج حاصل از آن نشان داد که طلاق عاطفی والدین به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش‌بینی فرسودگی تحصیلی می‌باشد. نتایج تحقیق با نتایج پژوهش Sepehrinia et al. (2022) با موضوع تأثیر طلاق عاطفی والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان همسو بوده و نشان می‌دهد در خانواده‌هایی که طلاق عاطفی رخ داده عملکرد تحصیلی فرزندان افت کرده و دچار فرسودگی تحصیلی می‌شوند.اختلافات والدین و بی اعتنایی آنان به یکدیگر، معمولاً در فرزندان سبب می‌شود تا عادات رفتاری آن‌ها تغییر یابد و دچار مشکلات در حوزه‌های اجتماعی مانند تحصیلات شوند. اختلاف والدین ممکن است آنان را در زمینه‌های تحصیلی دچار فرسودگی کند چرا که اهمیت ندادن به رشد فکری فرزندان از عواقب مشکلات خانوادگی است. وجود رابطه سرد و طلاق عاطفی در خانواده، معمولاً باعث می‌شود نوجوانان به تماس‌های تلفنی طولانی با دوستان، چت کردن و وب گردی‌های افراطی تمایل پیدا کنند و در نتیجه غفلت والدین ممکن است، فرزندان را به سمت اهمال کاری تحصیلی بکشاند و هرکاری را که دوست دارند انجام دهند و این خود سرآغازی برای آسیب‌های مختلف خانوادگی ـ اجتماعی است. بی‌عاطفگی همسران بر روی فرزندان تأثیر متفاوتی دارد و معمولاً در پسران با رفتارهای بیرونی و کنترل نشده و در دختران با اختلال‌های روانی مانند اضطراب و استرس و احساس تنهایی و فرسودگی تحصیلی همراه است. در این شرایط فرزند مجبور است یکی را انتخاب کرده، به خواسته پدر یا مادر تن دهد. پس در سردرگمی بین خواسته و نظر پدر یا مادر، توان انتخاب را نداشته، دچارالتهاب درونی و تعارض روحی می‌شود. در زمینه اختلاف و درگیری میان والدین نیز فرزند در می‌ماند که جانب کدام یک را بگیرد به این ترتیب فرزند در ازدحام احساس تعارض و دوگانگی به سردرگمی و گیجی دچار می‌شود و به دلیل عدم توانایی در خارج شدن از این وضعیت، احساس آرامش و تمرکز در زندگی و امر تحصیل روبه افول می‌گذارد و در نتیجه وضعیتی بحرانی تر دامن‌گیر خانواده می‌شود.

پژوهش حاضر مانند بسیاری از پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی همراه بود از جمله محدود بودن جامعه آماری تنها به یک شهر و تمرکز فقط بر گروه دختران دانش‌آموز تعمیم نتایج را به مکان‌های دیگر و گروه پسران با محدودیت روبرو می‌سازد. استفاده از ابزار پرسش‌نامه به عنوان تنها وسیله سنجش که مبتنی بر خودگزارشی است می‌تواند درک درست این متغیرها را محدود سازد. انجام این پژوهش در سایر گروه‌ها، بررسی دقیق‌تر و شناساندن عوارض طلاق عاطفی زوجین و اثرات مخرب آن در قالب طرح‌های پژوهشی ویژه پیشنهاد می‌شود. از سوی دیگر از جنبه کاربردی برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت والدین درخصوص آگاه سازی نوع روابط زوجین و اثر آن بر رفتار و افکار فرزندان می‌تواند به کاهش قابل توجه مشکلات رفتاری و تحصیلی بیانجامد. آگاه‌سازی دانش‌آموزان نسبت به مشکلات رفتاری خصوصا افت تحصیلی و کمک به آنان در جهت رفع این مشکلات می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی و روانی آنان بینجامد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نظر نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

سپاسگزاری

از همه شرکت‌کنندگان در پژوهش که ما را یاری کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

Resources

Abbasi Abarzgeh, M., Mashayek, F. M., & Shahvardi, M. (2019). Comparison of behavioral problems (conduct disorder, attention-immaturity problems, social aggression, anxiety-withdrawal) in divorced & normal children. *Journal of New Achievements in Humanities Studies, 2*(20), 12-23. https://ensani.ir/fa/article/444121 (Persian)

Akbari, F. (2014). *Investigating the rate of emotional divorce & its social & psychological consequences: A case study of Sanandaj city*. Master's thesis, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (Persian)

Ameri, M., & Shafiei, H. (2018). Emotional explanation based on communication patterns & conflict resolution styles of working women in Tehran. *Family & Health Journal, 8*(18), 40-51. (Persian)

Aspara, J., Wittkowski, K., & Luo, X. (2018). Types of intelligence predict likelihood to get married & stay married: Large-scale empirical evidence for evolutionary theory. *Personality & Individual Differences, 122*, 1-6. https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.09.028

Atan, A., & Buluş, M. (2019). Aile i? letişim becerileri psikoeğitim programının eşlerin evlilik doyumuna etkisi. İlköğretim Online. https://doi.org/10.17051/ilkonline.2019.527205

Avasi, F. (2020). The role of post-divorce parental conflict in predicting aggression, anger, & symptoms of anxiety & depression among university students. *Journal of Divorce & Remarriage, 62*(3), 199-215. https://doi.org/10.1080/10502556.2021.1871830

Bastani, S., Golzari, M., & Rowshani, S. H. (2011). Emotional divorce & strategies to face it. *Journal of Family Research, 7*(2), 241-257. (Persian)

Beck, A. T., Epstein, N., Brown, G., & Steer, R. A. (1988). An inventory for measuring clinical anxiety: Psychometric properties. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 56*(6), 893-897. https://doi.org/10.1037/0022-006X.56.6.893

Benson, H. (2020). *Lifetime divorce risk: Back to the 1960s.* Marriage Foundation. https://marriagefoundation.org.uk/research/lifetime-divorce-risk-back-to-the-1960s/

Dindar, E., Mahdavi, M. S., & Seyyedmirzaie, S. M. (2019). The survey of relationship between life skills & emotional divorce (case study: married people Shiraz city in 2016-2017). *Sociology of Women (Journal of Woman & Society), 9*(4), 153-176. Dor: 20.1001.1.20088566.1397.9.36.7.7 (Persian)

D'Onofrio, B., & Emery, R. (2019). Parental divorce or separation & children's mental health. *World Psychiatry, 18*(1), 100. https://doi.org/10.1002/wps.20590

Gottman, J. M., & Gottman, J. S. (2008). Gottman method couple therapy. In A. S. Gurman (Ed.), *Clinical handbook of couple therapy* (4th ed., pp. 138–164). The Guilford Press. https://psycnet.apa.org/record/2008-09621-005

Guerrero, M. (2018). *Using social cognitive theory to predict counseling behaviors in registered dietitians* Doctoral dissertation, Walden University.

Heinemann, L. V., & Heinemann, T. (2017). Burnout research: Emergence & scientific investigation of a contested diagnosis. *Sage Open*, *7*(1), 2158244017697154. https://doi.org/10.1177/2158244017697154

Kessler, D. (2018). The consequences of divorce for mothers & fathers: Unequal but converging. *LIVES Working Papers*, *71*, 1-30.

Lamela, D., Figueiredo, B., Bastos, A., & Feinberg, M. (2016). Typologies of post-divorce coparenting & parental well being. parenting quality & children's psychological adjustment. *Child Psychiatry & Human Development*, *47*(5), 716–728. https://doi.org/10.1007/s10578-015-0604-5

Larson, J. H., & Holman, T. B. (1994). Premarital Predictors of Marital Quality and Stability. Family Relation, 43, 228-237. http://dx.doi.org/10.2307/585327

Lee, M. Y., & Lee, S. M. (2018). The effects of psychological maladjustments on predicting developmental trajectories of academic burnout. *School Psychology International*, *39*(3), 217-233. https://doi.org/10.1177/0143034318766206

Leys, C., Arnal, C., Kotsou, I., Van Hecke, E., & Fossion, P. (2020). Pre-eminence of parental conflicts over parental divorce regarding the evolution of depressive & anxiety symptoms among children during adulthood. *European Journal of Trauma & Dissociation*, *4*(1), 100102. https://doi.org/10.1016/j.ejtd.2019.02.005

Li, S. (2021). Study on the relationship between self-esteem & academic burnout of college students: mediating effect of depression. *International Journal of Social Science & Education Research*, *5*(1), 396-401.

Liu, Q., & Wang, Z. (2021). Associations between parental emotional warmth, parental attachment, peer attachment, & adolescents' character strengths. *Children & Youth Services Review*, *120*, 105765. https://doi.org/10.1016/j.lindif.2020.101945

Mazerolle, S. M. (2012). An assessment of burnout in graduate assistant certified athletic trainers. *Journal of Athletic Training*, *47*(3), 320-328. https://doi.org/10.4085/1062-6050-47.3.02

Mirzaei, H. (2014). *The effect of emotional divorce on children's behavioral disorders, a case study (Ravansar County).* Master of Social Work, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. (Persian)

Naami, A. (2009). The relationship between the quality of learning experiences and academic burnout of master's students of Shahid Chamran University of Ahvaz. *Psychological Studies*, *5*(3),117-134. https://doi.org/10.22051/psy.2009.1609

Pamuk, M., & Durmuş, E. (2015). Investigation of burnout in marriage. *International Journal of Human Sciences*, *12*(1), 162-77. https://doi.org/10.14687/ijhs.v12i1.3002

Pandina, G. J., Bilder, R., Harvey, P. D., Keefe, R. S., Aman, M. G., & Gharabawi, G. (2007). Risperidone & cognitive function in children with disruptive behavior disorders. *Biological psychiatry*, *62*(3), 226-234.

Parvin, S., Davoodi, M., & Mohamadi, F. (2012). Sociological factors influencing emotional divorce in Tehran. *Women's Strategic Studies*, *14*(56), 119-153. (Persian)

Qinyi, T., & Jiali, Y. (2012). An analysis of the reasons on learning burnout of junior high school students from the perspective of cultural capital theory: a case study of Mengzhe Town in Xishuangbanna, China. *Procedia-Social & Behavioral Sciences*, *46*, 3727-3731. https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.06.136

Quay, H.C. & Peterson, D.R. (1987). *Manual for the revised behavior problem checklist*. Odessa, FL: PAR Inc.

Salvatore, J. E., Aggen, S. H., & Kendler, K. S. (2022). Role of parental divorce & discord in the intergenerational transmission of alcohol use disorder. *Drug & Alcohol Dependence*, *234*, 109404. https://doi.org/10.1016/j.drugalcdep.2022.109404

Sepehrinia, S., Sadeghi, P., Safari, K., Ghasemi Sheesh, H., & Karzai Borachalo, L. (2012). *The effect of emotional divorce on children's academic performance*. Fifth National Conference on New Technologies in Education, Psychology & Counseling. (Persian)

Shasat Foladi, M., & Monshei, Gh. (2015). *Investigation of the relationship between parental emotional divorce & academic performance, anxiety & social security in seventh & eighth grade female students in Isfahan*. International Conference on Psychology & Culture of Life. (Persian)

Spinhoven, P., Hoogerwerf, E., van Giezen, A., & Greeven, A. (2022). Mindfulness-based cognitive group therapy for treatment-refractory anxiety disorder: A pragmatic randomized controlled trial. *Journal of Anxiety Disorders*, *90*, 102599. https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2022.10259